

بقیه از صفحه ۴

گزیری نمانده است جز آنکه از تأمین های قانونی باقیمانده، یعنی وثیقه یا بازداشت موقت استفاده کنند! می توان گفت که کارگیری از تأمین بازداشت موقت نیز، که به لحاظ داشتن برخی شرایط ویژه، گهگاه به بازداشت موقت دائم تعبیر می شود، (و نظایری هم داشته است!) بنا به ملاحظات خاص، خیلی رایج و متداول نیست، از این رو، مقامات قضایی، ناگزیر می شوند که به همان تأمین وثیقه بس کنند.

اما این تأمین وثیقه نیز برای خودش داستانی دارد و بر حسب شرایط و اوضاع و احوال و شخصیت متهم، از سنگین سنگین تا سبک سبک، در نوسان است و از شوری بخت، اکثر انواع نخستین، یعنی سنگین سنگین آن، نصیب همان چند گروهی می شود که پیشتر، نامشان گذشت و اتفاقاً همین سنگینی و ناهنجاری تأمین است که به سادگی، درهای زندان را، به روی آنان می گشاید و می روند به آنجا که عرب، نی انداخت!

جای گفت و گو نیست که اگر متهم، در شمار از ما بهتران باشد توانایی مالی و ملائت بسنده داشته باشد، و بتواند وثیقه ای را که از او خواسته شده است، بسپارد، نباید نگران شود، مثلاً برای کسانی که کاسب حیب الله هستند و از این راه، با عرب و عجم، زدوبند دارند و دستشان برای تصرف و تذبذب منال عمومی (اصطلاحاً بیت المال = بیت المال) باز است، و به دیگر سخن، ابر و باد و مه و خورشید و فلک در کارند تا دنیا به تمام این موجودات خدا دوست داشته بگردد و به مدد کدیمین و عرق جبین او از راه کسب حلال و تلاش بی زوال، ثانی به کف آرند و صد البته، به راحت بخورند سپردن چندین میلیارد وثیقه، مانند آب خوردن است و یک ساعت هم در زندان نمی ماند که گفت: هر که پایندان او شد وصل یار می ترسد از گزند روزگار اما برای یک دانشگاهی حقوق بگیر یا یک مطبوعاتی یک لاقبا یا یک دانشجو، که با پول جیبی گذران می کند یا...

آلبته واضح و مبرهن است که سپردن وثیقه چندصد هزار تومانی هم، دشوار و توانفرسا است که: در خانه مور، شنبلی، توفان است! و اگر تنها متاع اینگونه کسان، که شرافت و حیثیت اجتماعی شان است، به فریادشان نرسد (که نمی رسد)، راهی جز مسیر زندان پیش پای خود نمی بینند و جایی جز چار دیواری زندان، سزاوارشان نیست:

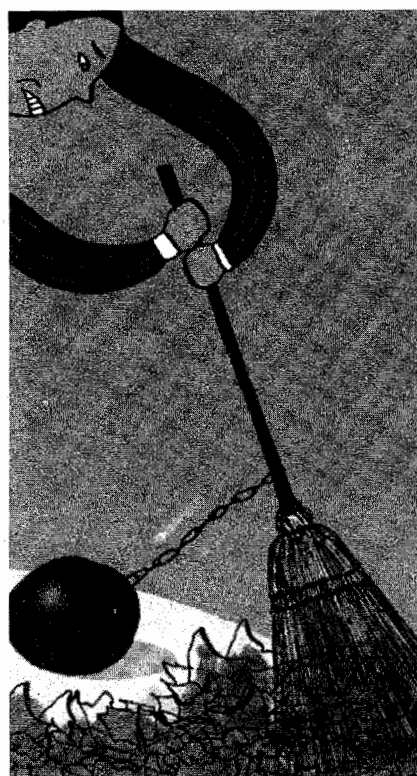
ز ندارد بنفشه، چون نرگس

قامتی، زان، همیشه، خم دارد!

یکی از صفات قابل توجه این وثیقه ها، گشدار و پایدار بودن شان است، به این توضیح که کمتر اتفاق

می افتد، شخص که از او، تأمین وثیقه خواسته شده است، بتواند به فوریت و سادگی، وثیقه را بسپارد و آزاد شود و تاجائی که می دانیم، مقامات قضائی، به آن آسانی که انتظارش می رود در قانون پیش بینی شده است، به هر علت متصور، از پذیرفتن وثیقه متهم (که معمولاً ملکی است نه نقدی) خودداری می کنند و متهم بی چاره، مجبور می شود به اصطلاح به علت عجز از تودیع وثیقه مدت‌ها در زندان و گاه در سلول تنگ و تاریک انفرادی بماند و در انتظار کمک خدا، دقیقه شماری کند!

اما مهمترین مزیت تأمین وثیقه بر تأمین بازداشت



موقت، این است که در تأمین بازداشت موقت، قانوناً مواعیدی برای اعتراض متهم پیش بینی شده است یعنی پس از آنکه متهم به قرار بازداشت خود، در موعد مقرر، اعتراض کرد، پرونده به دادگاه حل اختلاف می رود و اگر بخت با متهم یار باشد (که اتفاقی است کمیاب!) دادگاه قرار بازداشت او را فسخ می کند و در آن صورت قاضی صادر کننده قرار بازداشت موقت، مکلف است از متهم، تأمین دیگری بخواهد ولی در تأمین وثیقه دست قاضی، از هر جهت باز است و او، می تواند بدون آقا بالاسر و دغدغه خاطر، در کار خودش فعال مایشاء باشد و تا هر وقت که بخواهد، قبول وثیقه را، به تاخیر بیندازد و متهم را، در زندان نگهدارد!

بازی کردن مراجع قضایی، با تأمین خواسته شده از

متهم، با همه بدی و دل‌آزاری اش، متأسفانه یک شیوه و شگرد قدیمی است و معمولاً مراجع تحقیق قضایی، اگر به علل یا دلایلی، می خواسته اند متهم را، مدتی کوتاه یا بلند، در زندان نگه دارند و آزاد نکنند، برای قبول تأمین متهم، بهانه تراشی می کرده اند و اکنون هم، چنین کاری، در دستگاه قضایی، کالایی است رایج و متعارف!

ساده ترین تعبیری که در این باره می توان کرد، این است که پنداری قضات تحقیق، برای پرهیز از تصمیم بازداشت موقت و تبعات ناگوار آن، تأمین وثیقه را، جایگزین کرده اند و که انعطاف پذیرتر است و در مقام مواخذه و محاکات، گریزگاه های بیشتری دارد که مهمترین آنها، انداختن گناه به گردن شخص متهم یا بستگان او است که از سپردن وثیقه مناسب یا ارزنده، خودداری کرده اند!

هنگامی که کسی، از بیرون، به این رفتار مقامات قضایی می نگرد و از رفتار بعضی از قضات تحقیق درباره برخی از متهمان و بازداشت های متصل به محکومیت، که درباره آنان، روا داشته می شود، آگاه می گردد، طبعاً حق دارد این طور تصور می کند که در حقیقت، صدور قرار تأمین وثیقه از طرف قضات یاد شده، یک آلت سرکوب و اضمحلال متهمان بخت برگشته است که هرگز با معیارهای قانونی و فلسفه حقیقی اخذ تأمین که مسلماً غرض از آن، محدودیت محترمانه متهم بوده است و هست، سازگاری ندارد.

کوتاه سخن اینکه، چنین رفتارهای سخت گیرانه و بی ضابطه و قاعده، ولو آنکه به شمار اندکی از قضات نسبت داده شود، مآلاً، حیثیت و اعتبار تمام دستگاه قضاییه را به چالش می کشاند و چهره همه این سازمان عظیم و عزیز راه لکه دار و کدر می گرداند و اگر به این حقیقت آشکارا، باور داشته باشیم که آبرو و اعتبار هر کشور، در درجه نخست، بستگی دارد به متانت و درایت و بی طرفی دستگاه قضایی آن کشور، پس ناچاریم به این حقیقت تلخ نیز تسلیم شویم که ملوک بودن دستگاه قضاییه، اعتبار و آبروی کل حاکمیت کشور را، در انظار جهانیان مخدوش و مخدول خواهد گردانید.

در این صورت، آیا هنگام آن نرسیده است که برای بازگرداندن اعتبار از دست رفته قوه قضاییه و ابقای بقایای آبروی آن، تلاشی صمیمانه و از سر صدق کرده و برای به سامان گرداندن نابسانمانی هایی که به هر علت و از جانب هر مقام یا مقام هایی، به این دستگاه عارض گردیده است، عزمی جزم و همتی بلند، به کار گرفته و گامی شایسته و بایسته برداشته شود؟

بنام ایزدیکتا

در روزگار جهل، شعور، خود جرم است. در جمع روحانی نماها و زبونان پلیدی روح، دلیری دل جرم است. در سرزمین ما دانشجو بودن گناهی نابخشودنی است. پس جرم شما سنگین است چون می دانید، و سنگین تر است چون می آموزید و سنگین تر است چون می زدائید هر ناپاکی را:

اسفند آمد و بهار آزادی نزدیک است.

اسفند، ماه شکوفائی و در حقیقت آغاز جان و اندیشه است، ماه اشتعال آتشکده دنیای عشق و امید. ماه پرستش روشنایی، نور و خرد، ماه زدایش تیرگی و تاریکی و گام نهادن در دنیای مبارزه و میدان جنگ و جدال نفس گیر با فاسقان جهل و جمود. اسفند با تمام زیبایی و قشنگی باز فرا رسید و دوباره ما را به آغاز بهاری دل آمیز و امید بخش وعده داد. ولی افسوس و صد افسوس که هنوز بعد از گذشت ربع قرن در سرزمینی چهره می نماید که سایه شوم استبداد و آزادی کشی والیان فقاقت کور و وارثان جهل و جور هنوز بر سر مبارک این خاک مقدس افشانده شده است و هنوز فرزندان ما بدست کینه ورزان و تبهکاران یا در زندان و یا اعدام و یا به دیار غربت مجبور به کوچ شده اند. ماه اسفند بار دیگر آغاز گر نبرد بی امان و نفس گیر آگاهی، دانش و خرد با نا آگاهان و جاهدان و بی خردان است. خرد ستیزانی که خرد، شعور و منطق را بزرگترین مانع و سنگلاخی در راه جنایت، قباحت و اقتدار جور مطلق خود می دانند. این ددمنشان همچنان به قلع و قمع و محو دانش اندوزان و روشن فکران کمر همت بسته اند. جهان بینی آنها ترور و قتل،

ایدئولوژی آنها: حذف و دفع، رفع و واپسنگری، آموزه های آنها: تخریب شخصیت و حیثیت انسانی است.

پس دانشگاه بعنوان سر منشا تحول و تغییر، جنبش و آگاهی و نو خواهی در جهت مخالف این مجموعه خط و مشی است. پس باید از این منظر همیشه در نوک پیکان نیروهای کج اندیش و بداندیش و دیکتاتوری مسلط بر جامعه قرار گیرد. زهی خیال باطل که دامان دارالعلم را کدام پوزه ای می تواند آلوده و زوزه سگان چگونه مهتاب را پریشان می تواند کرد؟

مردان و زنان دلاور ما این بار با دلی آکنده از توفان کینه و خشم از نامردان، و احساسی مملو از محبت و مهر و عشق به میهن خویش، ذهنی آغشته از دانش، فهم و معرفت از محیط و دنیای مدرن امروز و خواستن آزادی و دمکراسی برای خود و فرزندان میهن عزیزمان ایران به این انتخابات فرمایشی «نه» خواهند گفت و تحت هیچ گونه شرایطی در آن شرکت نخواهند کرد.

این بار همه در کنار دانش پژوهان تازه نفس و نسل نو موضع گرفته و سنگر حق طلبانه خود را خالی نخواهیم کرد. پشت در پشت هم کمر خشک اندیشان و متحجران واپسگرای مذهبی که ذهن و درک آنها در حوزه بسته و از مقولات کهن و گذشته که قتل انسانها را واجب شرعی و دستورات خود را خدایی و حلال می دانند و آنرا موجب اجرت و ثواب دنیوی و اخروی می پندارند را به خاک می مالند. این بار ما بخوبی می دانیم که دیگر تنفس مصنوعی تئوریک اصلاحات و نوش داروی شعارهای واهی خاتمی هرگز مرده اصلاحات و نظام پوسیده ملایان را نمی تواند زنده کند.

این بار ما جویندگان حقیقت و دانش،

همانطور همانند گذشته بر تاریک خانه اشباح هجوم برده و هرگز نخواهیم گذاشت که این دلالان مرگ دمی بیسایند تا شاید امسال اسفند ماه، سال ویرانی و تباهی جانیان و بزهکارانی باشد که جامعه را به فنا و نیستی و قهقرا سوق داده اند و سال دیگر اسفند ماه را با آزادی و سازندگی و آبادانی آغاز کنیم و لبخند را دوباره بر لب مادران زنده کنیم. ما دست در دست هم باید این سکوت سیاهی و استبداد خرافه پرستان را برای همیشه در هم بشکنیم. ما می خواهیم غرور و عشق و پرنده آزادی را دوباره در آسمان میهن درد کشیده خود به پرواز در آوریم چه این مترسکان تو خالی تاب و توان مقاومت در مقابل دلیران و آزادگان این مرز و بوم را ندارند و تاریخ کهن ما همیشه این وجدان و نجابت پاک ایرانی را به خود کامگان خونخوار ثابت کرده است.

پاینده و جاودان باد ایران - مردم آزاده و دانشجویان دلیر ما
فرامرزی بیگدلی

آخرین خبر

خبر های رسیده از داخل دستگاه حکومتی رژیم، حاکی از جنگ و درگیری شدید بین فرماندهان سپاه و آقا زاده ها میباشد.

پس از قضیه زلزله دلخراش بم، پیمان کاران سپاه برای گرفتن سهم بیشتر در بازسازی این شهر ویران شده به جان یکدیگر افتاده اند و در این میان سهم خانواده مافیایی رفسنجانی را نیز فراموش کرده اند که این گونه فراموش کاری ها به قیمت زندان افتادن بعضی از آنها انجامیده است...؟!!

شخص علی خامنه ای از کلیه طرفهای درگیر تقاضا کرده است که بحث و جدل بر سر این موضوع را فعلا کنار بگذارند و همه به مشکل انتخابات بپردازند...!.

که ما نیز به دستور آقا چنین میکنیم و از افشاگری در مورد قضایای شهرستان بم، تا بعد از انتخابات خودداری میکنیم...؟!!

بقیه از صفحه ۱۷

حیث این جور منافع ایران را به باد دادن ،

شما نمی توانید نظیر برایش پیدا کنید در اعصار سابق برسیم تا هر جا می خواهید جلو بروید، یک همچو موردی که تمام مراتع خوب ایران را به غیر داده باشند ، به شرکت های خارجی داده باشند، تمام شیلات ما را، شیلات ایران را، هم طرف جنوبش را، هم طرف شمالش را از دست مردم گرفته اند و شرکت های خارجی دارند اداره می کنند، اینجا نوشته است هفت هزار نفر در شمال کشته شده است تا شیلات را دولت ملی کرده به اصطلاح خودش و ضبط کرده و داده دست شرکت های بزرگ . آن نفت ما، آن ماهیگیری شیلات ما، آن مراتع ما و آن جنگل ها را شما خیال کردید ملی کردند یعنی به نفع ملت ، این لفظ است ، ملی کردن مثل همان دروازه تمدنی است که می گوید، این هم یک لفظی است که القاء می کنند، واقعیت ندارد. بعضی از جنگل های بسیار خوبی که چوبش برای همه چیز خوب است به یک شرکت رومانی دادند و آنها دارند می خورند . ایشان در این نطقش گفته بود که سابقاً پیش از این، یک چند سال پیش از این ایران بین دو منطقه روس و انگلیش تقسیم شده بود و ما آمدیم و چه، آخر این حرف ها را من نمی فهمم که چطور او شعورش نمی رسد، یا می رسد و می خواهد این چند نفر را اغفال کند؟ پس چرا در رادیو می گوید؟ ما این را نجات دادیم از این دو منطقه ای؟ خوب شما چطور ایران را نجات دادید؟ شما که الان مراتعتان را یک مقدارش را خانم انگلیسی با دارو دسته اش دارد می خورد، یک مقدارش را هم که امریکا و صهیونیست ها دارند می خورند، یک مقدارش هم که خودتان و بچه ها و زاد و لدتان دارید می خورید، این چه ملی شدنی است؟ این چه نجاتی است که ما همه منافع مملکتان را باید به آنها بدهیم و خودمان خدمتگزار باشیم برای آنها باز؟ ملت ما باید خدمت کنند و همه منافع خودشان را، منافی که از دستشان پیدا می شود، از هوششان پیدا می شود ، از هوششان پیدا می شود تسلیم آنها بکنند؟ « ما نجات دادیم ایران را » کجا نجات دادید ایران را؟ شما ایران را به باد دادید تا آخر ، شما فرهنگ ایران را بکلی از بین برده اید. ما اگر یک طبیبی حالا بخواهیم باید برویم به انگلستان ، هر چند روز یک نفر راه می افتد می رود انگلستان برای معالجه ، خوب اگر ما طبیب داشتیم چرا انگلستان می رفتیم ؟ شما دانشگاه را از بین برده اید ، الان ما دانشگاه نداریم. یک صورتی است و نمی گذارید هم حتی حتی این صورت محفوظ بماند، چه بکنند بیچاره دانشجویها ؟ آن استادان دانشگاه چه بکنند از دست این هیولا؟ همه حیثیات ایران یک حیثیت انگلی است، تمام حیثیت ایران را این آدم به

باد داده و انگل کرده، آنقدر که می شده استفاده بشود داده به شرکت های بزرگ و یک قدری هم با اجازه آنها خودش و دارو دسته اش خورده اند و این بیچاره هائی که در روستاها بودند و به قول خودش دهقان ما درست کردیم، دهقان های بیچاره را از آنجاها کوچ دادند آوردند، این جادر نشین های اطراف تهران و آن زاغه نشین های اطراف تهران همین بیچاره دهقان هائی بودند که دامداری می کردند و برای مملکت ایرا پشم و روغن - نمی دانم - گوشت تهیه می کردند. همه اینها از بین رفت و حالا باید همه از خارج بیاید، گوشتش از خارج بیاید و گندمش از خارج بیاید. - چه کشاورزی ما را بکلی از بین برده است، فرهنگ ما را از بین برده، ارتش ما را از بین برده ، حیثیت ارتش ما را از بین برده، روحانیت ما را خیال دارد از بین ببرد و موفق نخواهد شد انشاءالله.

متفق الکلمه خواستار رفتن شاه باشید که تخلف از این امر خیانت به اسلام است

الان تکلیف است، همه ما مسلمین ، وحدت کلمه و اول کلام که : « این نباشد ما بعد خودمان درست می کنیم» در راس همه کلمات که همه متفق الکلمه باید باشند و اگر کسی تخلف کند، به اسلام خیانت کرده ، این است که این نباید باشد . اگر شما در نوشته یک جزیی دیدید که از آن بیرون می آید که ما قانون اساسی می خواهیم، به طور مطلق این را گفتن، معنایش این است که ایشان (شاه) باید باشد، این خیانت است، باید آنهائی هم که می گویند قانون اساسی و حقوق بشر، بگویند قانون اساسی بعد از اصلاح این موادی که با سرنیزه درست شده است . ما شاهد قضیه بودیم که این موادی که درست شد و اینها را به این سلطنت منحوسه رساند با سر نیزه بود، با سرنیزه رضاخان بود نه اینکه مردم یک مجلس درست کردند و یک چیزی ، خود مردم اختیاری نداشتند ، سر نیزه این کارها را کرد. این مواد، موادی است که مقبول ملت نیست و این موادی که حکومت اینها را تثبیت کرده باید از بین برود . قانون اساسی با متمم قانون اساسی، با اصلاحاتی که متمم قانون اساسی کرده، ما هم حرفی نداریم اما با اصلاحاتش. آن کسی که بگوید قانون اساسی و تعقیب نکند این معنا را که باید اصلاح بشود(ولو به طور ابهام که پس از اصلاح)، این آدم بدانید که مشی صحیحی ندارد یا ملتفت نیست، حالا من که می گویم ، ملتفت باید بشود.

ما همه موظفیم که روابط داشته باشیم، بین ما و خارج ، بین جناح های داخل و جناح های خارجی ، بین علمای اسلام با سایر علما، علمای مراکز با سایر علمای بلاد، بین علمای اسلام با

نماینده و مسئول

جبهه اتحاد ملی و میهنی ایران
یورک شایر - انگلستان

عبدالمجید توکل

تلفن: ۰۱۹۲۴ ۳۶۶۵۰۵

فکس: ۰۱۹۲۴ ۳۳۹۱۵۶

محسن کتابیان
مسئول جبهه اتحاد ملی و میهنی ایران شاخه کانادا
و روزنامه اتحاد و مجله بامداد ایران
تلفن: ۷۱۳۸ ۷۶۰ - ۴۱۶
فکس: ۲۹۳۹ ۷۶۳ - ۴۱۶

بخش مجله بامداد ایران - کتابخانه آگاه
Persische Bibliothek 'AGAH'
Postfach 250344
44741 Bochum, W. Germany

محل پخش مجله بامداد ایران

شهر یوواسکولا - فنلاند
سوپر مارکت ایرانی جاده ابریشم
تلفن: ۰۱۴ - ۶۱۹۴۴۴

محل پخش بامداد ایران - بلژیک

Hotel Auberge Belgium
Fax: 0032 25130006
Tel: 0032 25139203
Avenue de staungrad
122- 1000 Bruxelles

Hotel Emin**محل پخش**

روزنامه اتحاد و مجله بامداد ایران در ترکیه
- استانبول
تلفن: ۵۱۸ ۵۶ ۵۶ - فکس: ۵۱۸ ۵۳ ۲۱

محل پخش بامداد ایران - آذربایجان - باکو
C.MOMMAD GULUZADO
142 - BAKO

سوپر ایران محل پخش بامداد ایران
BASELER-STRASSE
KIOSK 19

محل پخش مجله بامداد ایران
سوریه هتل نعمان
تلفن:
۰۰۹۶۳۱۱ ۲۲۱۸۸۰۹

محل پخش مجله بامداد ایران - تایلد - بانکوک
WOOD LAND HOTEL
تلفن: ۰۰۶۶۲۲۳۷۵ ۴۹۳

پاکستان - صوبه بلوچستان ضلع مکران
طاہر خان (محل پخش مجله بامداد ایران)
۰۰۹۲۸۶۱ ۲۰۲۳ / ۰۰۹۲۸۶۱ ۲۲۹۴

محل پخش بامداد ایران، سیدنی استرالیا
Supe Darya- 331-Penshurst st
Willoughby-2068 N.S.W
Austrslia

**بسم الله الرحمن الرحيم**

در قرار داد حکومت جمهوری اسلامی، که عاملین آن از طریق برانگیختن احساسات مذهبی که خود یک مغالطه «وضع مألوس بعلة علة» است، و با یک فرزند عامیانه و جاهلانه این حکومت را بر مردم ایران تحمیل کردند، شرط رهبری ولایت فقیه ذکر شده و به طوری که گفته شده، این شرط در کل مخالف با ماهیت و حقیقت رژیم جمهوری اسلامی و موجب فساد و بطلان آن می باشد و در نتیجه بنا به رأی اجتهادی اینجانب، فرزندم و رژیم می که مورد فرزندم واقع شده بگلی از درجه اعتبار فقهی و

حقوقی ساقط و بلا اثر خواهد بود، هر نوع قرارداد و معامله ای که از سوی این حکومت انجام گیرد، غیر قابل اعتبار و نافرجام می باشد. خواه این معامله در داخل کشور و یا شهروندان کشور انجام پذیرد و یا در خارج کشور با شهروندان یا دولت های کشورهای دیگر. و در هر زمان که باشد، ملت ایران می تواند حقوق حقه خود را در داخل و خارج مطالبه نماید.

دکتر مهدی حائری یزدی

پیام**مردم ایران****به علی خامنه ای**

اگر تمام زندانیان سیاسی را هم
گاندید ای مجلس شورای اسلامی
کنید و تایید صلاحیت هم بشوند ما
باز هم در انتخابات شرکت نخواهیم
گرد، چون حتی در این صورت هم
فرقی به حال جامعه نگون بخت
ایران نمی کند. گیریم که مجلس
قانونی را به نفع مردم تصویب کند
، اول شورای نگهبان و بعد هم
شورای تشخیص مصلحت آن را لغو
می کند، اصلا کدام ارگان ضامن
اجرای آن می شود؟ پس بهتر
است وقت را الکی به انجام اینگونه
بازی های قدیمی و کهنه تلف
نکنید و تا وقت دارید از خداوند و
ملت تقاضای عفو و بخشش کنید
که عذاب الهی بزودی گریبان
گیرتان خواهد شد، مشکل ما ملت
وجود نا پاک شخص خود
شماست! نه تایید یا رد صلاحیت
شدن نوچه های شما ...

ما میگیریم حکومت زور
نمی خواهیم آخوند
مزدور نمی خواهیم

بقیه از صفحه ۲۰

برقرار ماند

ما سوکمندانه و متخرانه عزیزانی را در راه هدف که واژگونی رژیم طاغوتی و برپاداشتن پرچم پرافتخار اسلام است فدا کردیم و این درست را اسلام و برنامه مسلمین راستین در صدر اسلام بوده و در طول تاریخ خواهد بود «ولکم فی رسول الله اسوة حسنه» پیغمبر بزرگ اسلام همه چیزش را فدای اسلام کرد تا پرچم توحید را به اهتزاز در آورد و ما به حکم پیروی از آن بزرگوار باید همه چیزمان را فدا کنیم تا پرچم توحید برقرار ماند،

شاه در لب پرتگاه است

اکنون شاه در لب پرتگاه واقع است، از یک طرف مواجه است با قدرت لایزال ملت شجاع ایران که با تمام وجود برای آزادی خود قیام کرده و تا بر چیده شدن بساط ستمکاری او نخواهد نشست و از طرفی با انعکاس جنایات و جرائمش در وسائل تبلیغاتی دنیا خوف آن دارد اربابان از او روی برگردانند و از طرفی مواجه است با پوسیدگی و فروریختگی در متن رژیم و رسوائی انقلاب آمریکائی و افتضاح حزب فرمایشی و از طرفی با نارضایتی افراد شرافتمند لشگری و کشوری که از کشتارها و وابستگی‌ها به جان آمده اند.

ملت ایران دیگر اغفال نخواهد شد و مجرم اصلی را از یا نخواهد برد

در این امواج متلاطم غیر تمندانه به تلاش و فریب های تازه ای دست زده است، گاهی می خواهد خود را از جنایاتی که در طول سلطنت غیر قانونیش انجام داده بیخبر جلوه دهد و تما آنچه بر ملت و کشور گذشته است به گردن دیگران اندازد و عمال او از راه مطبوعات و دستگاه های تبلیغاتی برای تحقق آن سخت در تکاپو هستند، تغییر مهره های اخیر از این قماش است غافل از اینکه با تغییر ابزار خیانت که جز آلتی در دست حانی اصلی نیستند، ملت هوشمند ایران اغفال نخواهد شد و مجرم اصلی را از یاد نخواهد برد و این مهره بازی را نخواهد پذیرفت.

افترا به وطنخواهان و طرح گمونیسیم توسط شاه

و گاهی با اسلحه کهنه افترا و فریب، مخالفین خود را اشخاصی معرفی می کند که می خواهند ایران را تجزیه کنند یا تحت نفوذ اجانب قرار دهند. همه آگاهند که مخالفان او تنها اقشار وطنخواهند، از مراجع معظم و علماء اعلام و خطبای محترم و آگاه و رجال سیاسی پاکدامن تا طلاب و دانشجویان جان برکف حوزه ها و دانشگاه های سراسر ایران و از دهقان گول خورده و

احزاب، روزی نیست که حزب علیحده باشد و عالم علیحده، حزب خودش هیچ کار از او نمی آید، عالم احتیاج دارد که احزاب باشند در کار، این دو طایفه هستند که مسلمین را باید با هم، مسلمین ایران را باید با هم جوش بدهند و همه با هم روابط داشته باشند و با صاحب منصبان هم باز روابط داشته باشند، ایجاد روابط باید باشد با صاحب منصب هائی که شرافتشان از دست نرفته و شریف هستند، زیاد است باز بین اینها، زیاد است که خون دل می خورند بیچاره ها از این گرفتاری و آنها هم باید روابط داشته باشند تا یک روزی که بشود قیام بشود و با قیام، این آدم نباشد انشاءالله، حکومت اسلامی باشد انشاءالله، احکام اسلام جریان پیدا کند، الان که از احکام اسلام در ایران خبری نیست، طلاقش مطابق احکام اسلام است؟ نکاحش مطابق احکام اسلام است؟ معاملاتش مطابق احکام اسلام است؟ چه چیزش اسلام است؟ همین من می روم زیارت حضرت رضا، درست می شود با این؟ یک ریاکاری کار را درست می کند؟! مردم دیگر گول می خورند از تو؟!!

خداوند انشاءالله ایرانی ها را بیدار کند و از این بیدارتر، حوزه های دینی را حفظ کند، حوزه های اسلامی را حفظ کند. خداوند انشاءالله دست اجانب را از این مملکت کوتاه کند، همه ممالک اسلامی را با هم متحد کند.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

پیام امام خمینی به ملت ایران تاریخ: ۵۲/۳/۲۰

بسم الله الرحمن الرحیم

تقدیر از رشادت های مردم در تظاهرات خونبار

باز هم برای جندمین بار باید در سوک چهلیم مقتولین قم و دیگر شهرها بنشینیم، باز هم باید با مادران و زنانی که عزیزان خود را از دست داده اند و با تظاهرات شجاعانه خود رژیم شاه را محکوم کرده اند در عزا باشیم، باز هم باید شاهد کشتار و ضرب و جرح دانشجویان و طلاب عزیز و خراب کردند مدرسه های علمیه و دانشگاه ها و بیرون کردن آنها از مدارس مو کوی دانشگاه باشیم، باز هم دست جنایتکار شاه از آستین مشت می مامور نا آگاه بیرون آمد و ملت مسلم ایران و خصوصاً دلیران اسلام دوست قم را در عزای عزیزانشان که مردانه در راه اسلام و سرنگونی رژیم ستمکار پهلوی قیام کردند نشانند.

باید به پیروی از رسول اگر همه چیزمان را فدا کنیم تا پرچم توحید

بقیه از صفحه ۲۲

کارگر و عده دروغ شنیده و بازاری متعهد و مسؤول در سراسر کشور، کدام یک از اینان تجزیه طلب یا با نفوذ اجانب موافقند؟ این شخص شاه است که اجانب بویژه آمریکا را مسلط بر تمام شوؤن کشور کرده و مخازن آن را بیدریغ تقدیم آنان نموده و به آنها مصونیت داده و آنان را حتی بر ارتش حکمفرما کرده است و ایران را مصرف کننده ای خاضع در برابر آمریکا نموده است. گاهی ملت را از خطر کمونیست ها می ترساند که اگر او برود مملکت به دست آنان می افتد و شاید بعضی ها که از واقعیت ها اطلاع ندارند اغفال شوند. کمونیسم در ایران با دست آمریکا، چنانکه حزب توده به دست انگلیس ایجاد شد، به گفتار مطلعین، داغترین کمونیست ها در منطقه مهره های آمریکائی هستند برای خنثی کردن قیام های رهائی بخش ملی و مذهبی ملت های اسیر به دست سرمایه داری و کمونیسم که نمونه بارزش را در سال های اخیر دیدیم.

راه رهائی هر ملتی از چنگال استعمار، مذهب است که ریشه در عمق جان آن ملت دارد و گاه با شایعه سازی آشتی با بعض جناح های روحانی برای تفرقه افکنی در خود این جناح عظیم و بین آن و سایر وطنخواهان مسلمان که نتیجه اش جز سلامت جنایتکار اصلی و بر باد رفتن زحمات جانفرسای ملت و به هدر رفتن خون کشتگان از مسجد گوهر شاد و پانزده خرداد تا به امروز نخواهد بود، غافل از آنکه هیچ روحانی و مذهبی با دستگاه ضد اسلامی آشتی نخواهد کرد که آن پشت به قرآن کریم و اسلام عزیز است و نتواند کرد که آن پشت بر ملت غیور و آگاه است که حاصل آن سقوط مرگبار سازشگر است.

نغمه های صلح جویانه محکوم است

اکنون ملت که همه چیزش به دست این رژیم به باد رفته مراقب است تا چه کسی و چه جناحی از این مهره بازی شاه فریب بخورد یا با حاضر شدن در مذاکرات صلح جویانه و گرفتن بعض امتیازات توهمی، خود را به دستگاه قدرت متصل کند، در صورتی که این دستگاه رو به کهنگی و ویرانی آورده و از بنیان با موریانه داخلی مواجه و فروریختن آن حتمی است و از خدعه ها و فریبکاری ها که از کارشناسان خارجی و چه بسا داخلی سرچشمه گرفته، نغمه اعطاء آزادی به همه ابعاد، و مگر در خیانت به کشور است. کشتار چندماهه اخیر، حبس و شکنجه، تبعید و اختناق از جمله آزادی ها و عطیه های ملکونه است. اکنون که ملت بزرگ ایران آگاهانه بپا خاسته است و هر

چند گاه حوزه ها، دانشگاه ها، مدارس، جماعت ها، بازارها و شهرها در اعتراض به شاه تعطیل می گردد، ملت عزیز پشتیبانی خود را از اسلام و قرآن کریم اعلام و برای استقلال و آزادی کشته می دهد، لازم است سران قوم نقشه های فریبنده شاه را که چیزی جز هدم احکام اسلام و کشور نیست نقش بر آب کنند و با بیداری و آگاهی تا بر انداختن این رژیم به مبارزه ادامه بدهند و با حفظ وحدت کلمه و جهت، نگذارند مبارزات حق طلبانه روبه سستی گراید.

از خداوند تعالی استقلال کشور و آزادی ملت را خواستار و کوتاهی دست اجانب و ستمکاران را امیدوارم.

والسالم علیکم و رحمة الله و برکاته

روح الله الموسوی الخمینی

۵۲/۴/۸۳

پیام امام خمینی به امت مسلمان ایران در خصوص اعیاد مذهبی تاریخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

جشن و شادمانی با وجود صدمات جانکاه شاه به اسلام، معنی ندارد

کراراً از ایران نظر اینجانب را در باره مراسمی که به عنوان جشن های سوم و پانزدهم شعبان بر پا می شده خواسته اند، مع الأسف رژیم منحط برای مسلمین ایران عیدی نگذاشته است.

دست شاه تا مرفق به خون ملت ایران فرو رفته و در حال حاضر ملت عزیز در عزای عزیزان خود نشسته، چگونه ممکن است کسی نظر دهد که جشن بگیرند و شادمانی کنند، شادمانی بر روی اجساد به خون خفته فرزندان اسلام؟ شادمانی در برابر افراد شریفی که در سیاه چال های زندان زیر سخت ترین شکنجه های جهنمی دژخیمان بسر می برند؟ شادمانی در مقابل تبعیدیانی که بر خلاف تمام موازین انسانی و قانونی از اوطان خود بیرون رانده شده اند؟! ما که هنوز مادرهای داغدار جوانانمان سیاهپوشند، ما که هنوز شاهد صدمات جانکاه شاه به اسلام بزرگ و کشور اسلامی هستیم جشنی نداریم، ما که در هر فرصت مدارس و مساجد و دانشگاه هایمان مورد هجوم مامورین شاه است، چطور ممکن است چراغانی کنیم.

هر نغمه که ملت را از مسیر خود که قیام ضد شاهی است منحرف کند، شیطانی است

ملت ایران بداند که دست پلید دولت در فعالیت است که مسیر نهضت اصیل و شکل گرفته و عمومی ایران را تغییر دهد و یکی از شاهکارها همین دامن زدن به لزوم جشن است که در

بقیه از صفحه ۲۳

پرتو آن خون پاک ملت اسلام را لوث کند و نهضت عظیم اسلامی را به سستی بکشد و یا خدای نخواستہ محو کند، ملت ایران بیدار است و راه خود را یافته و با هوشمندی می‌داند که هر نغمه با هراسم که او را از مسیر خود که قیام ضد شاهی است منحرف کند، شیطانی است اگر چه با اسم قرآن مجید و یا ولی الله اعظم عجل الله فرجه باشد. ماروزی را عید می‌گیریم که بنیان ظلم و ظالم را منهدم کنیم و دست دودمان ستمکار پهلوی را از ایران قطع نمائیم و آنروز انشادالله تعالی نزدیک است و روز عید سلامی و عید ولی عصر عجل الله فرجه.

اکنون لازم است در این اعیادی که در سلطنت این دودمان ستمگر برای ملت ما عزا شده است بدون هیچگونه تشریفات که نشانگر عید و شادمانی باشد در تمام ایران در مراکز عمومی مثل مساجد بزرگ اجتماعات عظیم بپا کنند و گویندگان شجاع محترم، مصائب وارده بر ملت را به گوش شنوندگان برسانند و هر چه بیشتر کارهای ضد اسلامی و قانونی رژیم را افشاء کنند و خوف را که از جنود ابلیس است از دل بیرون کنند و در ادامه نهضت که موافق رضای خداوند تعالی و ولی عصر است کوشش کنند و این چراغ فروزنده هدایت را روشن و روشنتر نگه دارند و با اعتماد به خداوند تعالی مطمئن باشند که ملت پیروز است.

از خداوند تعالی عظمت اسلام و مسلمین و قطع ایادی اجانب و وابستگان به آنها را خواستارم.

والسلام علیکم ورحمة الله و بركاته

روح الله الموسوی الخمينی

تاریخ: ۵۲/۵/۵

پیام امام خمینی به ملت ایران در مرد لزوم تداوم نهضت و هوشیاری ملت در برابر مردم

فریبی های شاه

بسم الله الرحمن الرحيم

تظاهرات مردم، اثبات مخالفت سراسری

ملت با شاه

اینجانب از عموم ملت شریف ایران متشکرم که با همبستگی و وحدت کلمه در سوم و پانزدهم شهر شعبان یک مرتبه دیگر به رژیم منحط ثابت کرد که با اراده ملت نمی‌تواند مقابله کند و این فراندی بود بی نظیر از مخالفت سراسری ایران با شاه، گرچه دستگاه با جلوگیری از بعضی از اجتماعات بزرگ سلب آزادی نمود و گذاشت مصائب و مطالب مشروع ملت بزرگ تماماً ابراز شود به طوری که اطلاع حاصل شده به دنبال تظاهرات آرام، دست به جنایاتی که کاشف از سستی پایه های حکومت است زده و در بعضی از شهرها چون مشهد و رفسنجان و جهرم وحشیانه به مردم بیدفاع هجوم برد و عده کثیری را مقتول و مجروح نمود و به طوری که بعضی از خبرگزاری ها اطلاع دادند در مشهد مقدس تعداد کشتگان به ۴۰ نفر رسیده است و بعضی بیش از این گفته اند و از قرار اطلاع، مامورین شاه وحشیانه به مدرسه نواب مشهد ریخته و طلاب بیدفاع را تا سر حد مرگ کتک زده و سر و دست آنان را شکسته اند و معنای اعطای آزادی را به ملت فهماندند.

تا محو آثار ظلم وهدم رژیم پهلوی ملت آرام نخواهد گرفت

مردم متدین و شجاع شهرها چون قم قهرمان و تبریز غیور و مشهد، بیدار شده و برای اظهار تنفر از دستگاه و رژیم شاه تعطیل عمومی نمودند و مشتی محکم به دهان گزافه گویانی که می‌گفتند این تظاهرات دیگر تکرار نمی‌شود و ملت به حال عادی خود بازگشته است زدند. ملت عزیز تا محو آثار ظلم وهدم دستگاه رژیم منحط پهلوی آرام نخواهد گرفت و به حال عادی باز نخواهد گشت. ما از این غیورانی که در راه هدف مقدس اسلام فداکاری می‌کنند و از جان و مال دریغ ندارند و تن به ظلم نمی‌دهند و سکوت مرگبار را شجاعانه با اهداء جان خود می‌شکنند و راه و رسم پیامبر اسلام (ص) و امامان تشیع را یافته و بدانان اقتداء نموده اند تشکر نموده و به آنان تبریک می‌گوئیم.

سکوت و امر به سکوت در این شرایط، مالف مصالح عالیة اسلام است

امروز که ملت، بپا خاسته و راه خود را خوب و درست یافته است، سکوت و امر به سکوت مخالف مصالح عالیة اسلام است و خلاف طریقه شیعه جعفری است و امر به تحرک و استنکار و افشاء فجایع خانمانسوز و اسلام بر بادده دستگاه شاه موافق سیره مبارکه انبیا و خصوص رسول معظم خاتم است. اکنون که ماه مبارک رمضان در پیش است و ماه مبارک امسال نمونه است که ملت معظم ایران از سوئی خاطرات چندین ماهه اخیر از کشتارهای وحشیانه دستجمعی و اختناق و حبس و تبعید در قلبش زنده است و از سوئی دیگر برای انتقام از بیدادگری های رژیم منحط پهلوی و شاخه های آن، کارگزاران اجانب استعمارگر با بیداری و همبستگی بی سابقه بپاخاسته است، لازم است مطالبی را تذکر دهیم:

نهضت ایران، نهضتی مقدس و صد در صد اسلامی

۱- نهضت مقدس اخیر ایران که ابتدای شکوفائیش از پانزدهم خرداد ۴۲ بود صد در صد اسلامی است و تنها به دست توانای روحانیون با پشتیبانی ملت مسلمان و بزرگ ایران پی ریزی شد و به رهبری روحانیت، بی اتکاء به جبهه ای یا شخصی یا جمعیتی اداره شده و می‌شود و نهضت پانزده ساله ما چون اسلام است بی دخالت دیگران در امر رهبری که از آن روحانیت است ادامه دارد و خواهد داشت و آنان که اخیراً برای جلب منافع شخصی به جنب و جوش افتاده و می‌خواهند نهضت اسلامی را آلوده کنند و یا آن را متکی به بعضی جناح ها یا دنباله او معرفی نمایند حتماً سوء قصد دارند و احیاناً با ساختن بعضی از آنان با دستگاه جبار می‌خواهند نهضت را متوقف و شاه را مصون نگه دارند. ملت ایران باید با هشیاری تمام و تردید بدانان نگاه کنند و اگر خدای نخواستہ انحراف آنان معلوم شد از آنان جداً اجتناب کنند و صریحاً اعلام می‌دارم در صورتی که این جمعیت معدود، مطالب خود را که لازمه اش دور نگه داشتن مجرم اصلی است تکرار کنند روحانیت تکلیف خود را در باره آنان روشن خواهد نمود.

بازبینی ساختار جمهوری اسلامی به روایت تصویر

تصویری که مشاهده میکنید یکی دیگر از افشاگریهای تاریخ است که حقایق تلخ را یادآور میشود. این اثر بوسیله ما جوانهای مقیم بریتانیا که به هیچ گروه سیاسی وابستگی نداریم تهیه شده است. بعضی از تصاویر ما که اخیراً در نشریات و تلویزیونهای ۲۴ ساعته در دید همگان قرار گرفته، روشنگر خیانتهای تاریخی عده ای خود فروخته به بیگانگان میباشد که آگاهی از آن برای نسل جوان بسیار اهمیت دارد. سناریوی فتنه ۲۴ سال قبل را قبلاً خارجیها تدارک دیده بودند. نقش اول این بازیگری را به خمینی دادند و با قدماتی از پیش تهیه شده او را از پاریس به تهران منتقل نمودند. نام منفور او را همه شنیده اند. خونخواری او را همه دیده اند. دول اروپایی و رئیس جمهور وقت آمریکا دست به دست هم دادند و از او خواستند که بکشد، ویران کند، سنتهای ملی را زیر پا بگذارد و همه چیز را در آن سرزمین نابود کند. چه خود فروختگان دیگری در این فاجعه ننگین از بیگانگان اطاعت نمودند و با نیرنگ و عوام فریبی و با سوء استفاده از احساسات مردم ناآگاه مو به مو و قدم به قدم کردند آنچه از آنها خواسته شده بود. این افراد را میتوان به چند گروه تقسیم کرد. نقش کلیدی را آنهايي داشتند که از نفوذ مذهب استفاده کردند. بهشتی، منتظری، مطهری و طالقانی که هم لباس خمینی بودند و علی شریعتی که فقط لباسش با آنها یکی نبود و الا او هم با آنها هم آخور بود. بهشتی بعنوان نماینده مذهبی در شهر هامبورگ پرورش سیاسی یافت. در آنجا بود که با گروه های تروریستی فلسطینی عهد اخوت بست و یکی از این گروه ها ماموریت یافت که سینما رکس آبادان را به آتش بکشد. مطهری بعنوان متفکر و تئوریسین از یک سوی و از سوی دیگر علی شریعتی بعنوان معرکه گردان در پایگاهی بنام حسینییه ارشاد خیمه شب بازی راه انداخته و شماری از جوانان را گمراه و بدینوسیله بسوی خود جذب نمودند که در نهایت هدف همگی آنها براندازی نظام شاهنشاهی بود. اما افسوس و صد افسوس که پاره ای از سیاستمداران آن زمان که کم و بیش از چهره ملی برخوردار بودند همچو کودکی نابالغ خواسته و ناخواسته فریب خوردند و در مسیر این خیانت تاریخی قرار گرفتند. جای تاسف است که یاران خمینی به بازرگان لقب پیر خرفت ایران را دادند. بنی صدر، ابراهیم یزدی و قطب زاده که بگفته خمینی خونخوار، آنها را روی زانوی خود بزرگ کرده بود تکلیفشان روشن است. متأسفانه اتحادی نامقدس از سرخ و سیاه تشکیل شد و در گوشه و کنار آن نطفه مارکسیست اسلامی شکل گرفت. این ضحاک مار دوش، دو افعی خونریز را برای بلعیدن جان و مال جسم ملت ایران انتخاب نمود که یکی خلخالی جلاد که مبتلا به مرض سادیسم بود و دیگری زندانبان و جلاد قرن یعنی لاجوردی. خمینی عقب مانده ذهنی جانی در سخنرانی خود در بهشت زهرا نظامیان را مخاطب قرار داد و گفت که من میخواهم تو آقای خودت باشی و تو میخواهی نوکر باشی؟ اما در عمل دیدیم که در پشت بام مدرسه علوی محل سکونت او بهترین دلاوران ما را ناجوانمردانه به خاک و خون کشیدند. تاریخ هرگز جنایت ابراهیم یزدی را فراموش نخواهد کرد. در جریان محاکمه غیر انسانی تیمسار رحیمی، فرمان داد تا دست راست او را قطع کنند و با همان وضعیت او را تیرباران کردند. آن دلاور در آخرین لحظه زندگی شعار زنده باد ایران را سر داد و جان سپرد. در مقابل بودند اندک امیران ارتش که خیانت و خودفروشی را ترجیح دادند. قره باغی و فردوست که پوست و گوشت و استخوان و حیثیتشان از نظام شاهنشاهی بود، آنچنان در واپسین لحظات حساس خیانت و جنایت پیشه کردند و پشت پا به تمام مقدسات ملی زدند. فیروزآبادی سرپرست بهداری ارتش دستور داد تا اجساد افراد را با قرار دادن خونآبه بر روی آنها، به معابر بیاورند تا بدینوسیله دوربین های از پیش جاسازی شده موسسه شایعه پراکنی بی بی سی و دیگر رسانه های گروهی وابسته خوراکی برای تغذیه داشته باشند. همه عوامل از پیش ساخته شده دست بدست هم دادند و مردم افسون شده با پذیرفتن وعده های دروغین، آب توی آسیاب این فتنه ریختند. دیری نپایید که مردم به اشتباهات خود پی بردند، ولی افسوس که دیگر دیر شده بود. اما اکنون نسل جوان که خوشبختانه دریافته که چه بلای خانمان سوزی بسرشان آمده برای آزادی و نجات وطن بپاخواستند.

پاینده ایران

گزارشی از فعالیت های...

شریکی استفاده خواهند کرد .

■ خامنه ای در مورد کشتار مردم مظلوم شهرک بابک و خاتون آباد کرمان گفت :

چون خداوند مهربان ، مردم خوب و مسلمان این دو شهرک را فراموش کرده بود که آزمایش الهی کند ، ما خودمان این مهم را انجام دادیم ... و آحاد ملت هم میدانند که اینها آزمایشات الهی است چون ما مسلمانیم !...

■ رئیس ستاد غیر مترقبه کشور گفت :

با توجه به کمبودهایی که در امداد رسانی به بازماندگان شهرستان بم اعلام میشد خوشبختانه این بار در مورد این دو شهرک ما کاملاً آماده بودیم و نیروهای امداد رسانی خیلی سریع تر از دفعه قبل به منطقه رسیدند و از زمین وهوا با امکانات کافی از جمله هلی کوپتر مردم باز مانده و بیچاره را امداد کردیم و در انجام این وظیفه مهم از سگان زنده یاب خارجی نیز استفاده کردیم ، این سگان امدادگر به دستور مقام معظم رهبری از کشورهای ... وارد شده اند و بخوبی توانستند مردم را قتل عام کنند و این فاجعه ملی و آزمایش الهی را به مقام معظم رهبری تبریک و تسلیت میگویم .

■ شورای نگهبان اعلام کرد : بعضی از بازیکنان تیم ملی فوتبال را رد صلاحیت میکند . چرا که ممکن است بعضی از آنها به اصل نظام معتقد نباشند و در بازی های ملی گل بزنند .

■ پیشنهاد یک شهروند به ولی فقیه :

یک شهروند تهرانی در مصاحبه با خبرنگار مجله پیشنهادی را به ولایت فقیه اعلام داشت این شهروند به حضرت آیت الله خامنه ای پیشنهاد کرد جهت اطمینان بیشتر و نشان دادن محبت مردم نسبت به خودشان همانند آقای رفسنجانی با حفظ سمت ، خود را کاندیدای مجلس شورای اسلامی کند تا مردم با رای خود ایشان را نیز به شورای تشخیص مصلحت نظام بفرستند .

■ ملا حسنی در خطبه های نماز جمعه گفت :

این آمریکا هم هی می گوید ما به ایران چادر فرستادیم ، یعنی می خواهد بگوید ما چادر نداریم ، تو آمریکا اگر چادر داری برو سر زنان خودت کن تا ما را به گناههای بد بد نیندازند ، و این استراژدی بوش است و ما به همین خاطر این چادر ها را سر نمی کنیم و همش را میفروشیم و امام گفته این طوری پولش حلال میشود و خمسش را هم میدهیم ، باز هم میگویند من ...

قضاوت با شما خواننده گرامی ...

طنز

یا واقعیتی تلخ ...؟

■ سفیر جمهوری اسلامی در لندن اعلام کرد : به دلیل حرکت بی سابقه و انسان دوستانه کارکنان این تجارتخانه که ۳ روز از حقوق خود را به زلزله زدگان بم اختصاص دادند ، این ماه همه کارکنان این تجارتخانه ۵ روز حقوق و مزایا پاداش میگیرند !...

■ خامنه ای - این زلزله بم آزمایش الهی بوده است و خداوند ما مسلمانان را آزمایش می کند !

- اکبر عبدی با زبان بی زبانی سرش را به سوی آسمان برد و از خداوند خواهش کرد که دیگر امتحانشان نکند .

- رئیس جمهور ژاپن گفت : پس با این حساب ما مسلمان ترین کشور دنیا هستیم چون خداوند هر دقیقه ما را آزمایش می کند .

راوی خبر میگوید ، وقتی خبر زلزله بم را به خامنه ای دادیم ، او گفت : مشکلی نیست مثل دفعه های قبل کوهنوردان را زود به منطقه بفرستید تا جعبه سیاهش را زود پیدا کنند و بیاورند !...

■ ملا حسنی در خطبه های نماز جمعه گفت : این خامنه ای هم خرابکاری میکند ، چگونه میشود یکبار گفت این زلزله آزمایش الهی بوده و بار دیگر گفت فاجعه ملی بوده است ؟ یعنی خداوند با آزمایشاتش فاجعه ملی درست می کند ؟ که نباید این کار کند چون کار بدی است ، پس من یک استراژدی دارم و به خدا میگویم که این بار آخرت باشد که از این آزمایشات الهی هسته ای میکنی که فاجعه ملی درست میکند و اگر گوش نکنی به مردم میگویم که در انتخابات رای ندهند .

■ هاشمی رفسنجانی گفت : آهای آقایان وزیران دولت و نمایندگان که استعفاء میدهید ، توجه داشته باشید که ما حقیقتاً در شورای تشخیص مصلحت نظام ، نه تنها هیچ صندلی خالی نداریم بلکه حتی چارپایه خالی هم نداریم که شما بی کاران را جا دهیم و اصولاً این وظیفه دولت است که فکری برای بی کاران خودی بکند ، ما همش ۲ صندلی خالی داریم که آنها هم توسط خاتمی و رزرو شده است ، که به صورت

بنام ایزد یگنا

خدایان هم می میرند

زمانیکه انسان خود را از تونل تاریخ گذر می دهد اجساد تکه تکه شده خدایان قدری را می بیند که چه مفلوک و بی تحرک سر در زمین فرو برده اند و مقبره های «فرمان و تکبرشان» با سکوت و خاموشی در میان زوزه های حیوانات و ویز ویز حشرات محو شده است. ولی باز خدایان مغرور و بی اندیشه هرگز به سرنوشت شوم اجداد خویش نمی اندیشند. باز هم حکومت و قدرت را غیر متغیر و ابدی و جاودانی می پندارند، بندگان خود را به تعظیم و کرنش امر می کنند و نیز برای لاشه بی جان خویش بارگاه و معبد عظیم و گران می سازند تا شاید آسوده بیارامند. مجسمه خدای «نینوا» با افساری به پائین کشیده شد، در میان هلهله و خشم و نفرت بردگان و بندگان خویش لگد کوب شد، حتی مردوک «خدای بابل» و الله «خدای کعبه» هم نتوانست او را از شر سپاه اهریمن نجات دهد چگونه دیدیم آن مسجدی «که مجسمه اش در میدانی رو بروی آن بر افراشته بود» و خداوندش پاسدار او بود، نتوانست از فرو افتادن ذلت بارش در پیشگاه ملحدان جلوگیری کند، او را در خیابان ها می کشاندند. بر او لعن و نفرین نثار می کردند. واقعا این مرد قدرتمند عرب که خود را سردار قادسیه می نامید و در قلع و قمع و نابودی عزیزان و ثروت و تجاوز به نوامیس ما از هیچ قباحت و لجاجتی دریغ نمی کرد. ما را دگر باره بیاد نیاکان او می اندازد:

آشور بانپپال به شوش، پایتخت عیلام لشکر کشی کرد و شهر را ویران و خدایان و الهه را همراه با خدمتگزاران مقدس ایشان و ثروتهایشان تبعید کرد، برای محروم کردن مردگان بزرگ عیلام از آرامش، دستور تجاوز به مقبره های آنها را داد. «طرف یکماه تمام عیلام را در هم کوبیدم، روستاهای آن را از صدای انسان محروم کردم، گاوها و برده ها را لگد کوب کردم و شادمانی را از میان برداشتم» به نظر می رسد نینوا ویران نشدنی است. اما بنوپلسر، آشوریان را غولی با پایهای چوبین می دانست، او توانست کمر این غولی را که با ستم و برده کشی و باج گیری محکم شده بود بشکند و او را به عدم گسیل دارد.

کوروش شاه بزرگ چهار گوشه جهان نیز توانست مجسمه خدای کاذب «بلشعر» را از زیر پای سم اسبان خود قطعه قطعه کند و بابلی را فاتح شود که هزاران یهودی خسته و رنجور و بی گناه در آن به تبعید و زنجیر کشیده شده بودند، بله پارسیان بدون آنکه نیازی به نبرد پیدا کنند از برج و بارو گذشتند تا شهر خاموش را اشغال کنند در حالی که در کاخ شاه ضیافتی که بلشعر بر پا کرده بود جریان داشت، بابل بدون نبرد و به رغم قدرت نظامی، معنوی و منابع اقتصادی اش مغلوب شد.

هر ساله فرزندان برحق هارون الرشید، «صدام حسین» جشن بابل را با شکوه و هیجان خاصی برگزار میکرد. تا خود را پادشاه جدید عالم بنامد. در حالیکه مردمانش از گرسنگی و بدبختی با مرگ دست و پنجه نرم میکردند. مردمی که بر زوال خدای خویش نه تنها اشک نریختند بلکه قربانی و گل هدیه میدادند و از فرط شادمانی نمی خوابیدند.

در تاریخ انسانهایی که خود را مقدس اعظم می شمردند کم نیستند، هیتلر که جنون مالیخولیائی او دهها میلیون را به خاک و خون کشید. چنان با ذلت و ترس و تحقیر به حیات شوم خود پایان داد که ... و استالین که مرگ و کشتن روشنفکران و مخالفانش خوراک لذیذ روزمره اش شده بود، در زمان مرگ مفلوکانه اش چنان آبی از ترس زیر پای خویش روان کرده بود که هیچ بودنش را به وضوح ثابت میکرد. خمینی را هم دیدیم که چگونه جام زهر را سر کشید تا زبونی و خفت آشکارش را مخفی کند.

تاریخ مملو از درسها و عبرتهایی از این قبیل است ولی انسانهای جاه طلب، همچون دانش آموزان کند ذهن و فراموش کاری هستند که درس را یاد نمی گیرند!

آغاز سال جدید میلادی با بسته شدن پرونده طالبان، حکومتی که وصله ناجوری بر تاریخ متمدن، مدرن و پویا بود آغاز شد. طالبانی که به پیروی از برادرانش در ایران در صدد احیای عصر فرسوده و سنگ حجری قوانین اسلام ناب محمدی بود، اسلام طالبانی و خمینی، اسلامی بود که کمترین ارزش و حرمت به مفهوم و مختصات انسانی داشت.

دومین دیکتاتوری که در سال گذشته با تمام هیاهو و ارتش قدرتمند چهارصد هزار نفری، همچون تپه ای کاه به آتش کشیده شد. دیکتاتور خونخوار آن با ربع قرن ایجاد وحشت و مرگ، همچون موشی به سورههای عراق پناه برده بود. تنها ناله های مذبحخانه او گاهی گوش های بی اعتنای عالم را نوازش میداد. عراقیان گرسنه به غارت و چپاول اموال عمومی و شخصی پرداختند. به گروههای اشغالگر گل دادند و لبخند زدند، نسیم آزادی بر لبان تشنه و صورتهای زرد، گرسنه، بدنهای خسته، آزرده، شکنجه، شلاق دیده، قلوب غم و ماتم دیده وزیدن گرفت.

مردم ایران نیز این آزادی را جشن گرفتند و امید آنها چندین برابر گشت که زمان مرگ خدایان فرا رسیده است. خدایانی که نزدیک ربع قرن به تاراج و ویرانی پرداخته اند و نفس و عشق و امید را از ایرانیان عاشق و امیدوار گرفتند.

ولی بازهم غرور خدایی بر چشم حقیقت سایه می افکند. این خدایان ایرانی نما چنان در عشق خدایی و مالکیت بر جان و نوامیس بندگان و بردگان ذیل خود عشق و لذت می ورزند که هرگز به اطراف و مسائل پیرامون خویش بعنوان یک پند و تجربه و درس نمی اندیشند و آنها را سطحی و زود گذر و تنها برای خدایان دیگر می پندارند. آنها از همه سو در محاصره هستند، در کویت، ترکیه، قطر، افغانستان و پاکستان، آسیای میانه، عربستان و عراق، اما عقابان، دجالان خسته و ناتوان را احاطه کرده اند. خدایانی که دیگر هیچگونه پایگاه و منزلتی در میان مردم خویش ندارد.

خدایان جمهوری اسلامی درگیر نبردی سنگین و مهلک در سه جبهه هستند: جبهه اول که بیشترین صف آراییی را در برابر آنها کرده است مردم ایران زمین هستند. بیست و پنج سال مقابله با طوفان انتظارات

بقیه از صفحه ۹

هنوز بدنش گرم بود ولی نبضش نمی زد ، بی اختیار محکم تکانش می دادم و می گفتم : بهارم ، بهار جون بابا یه چیز ی بگو ، بابا بهار ، بابا بهار ... ولی انگار صدای منو نمیشنید !
بهرام با گریه : بابا چرا با بهار این جور ی می کنی ، خب حالا بیدار میشه دیگه ، بابا نکن ، بابا نکن ...

ولی پسر بیچارم نمی دونست که خواهرش بهار ، دیگه هرگز بهاری نخواهد داشت و دیگه هیچ بهاری را نمی تونه ببینه....!

و بعد هم به دنبالش بابک را یافتم ...
بهرام گریه می کرد و یواشکی من به بابک می گفت : داداش بابک تورو خدا زنده شو ، بلند شو کمک بابا کن تا مامانی رو پیدا کنه ، ببین بابا داره گریه می کنه ، بلند شو ، داداشی ...
بهرام رو در آغوش گرفتم و گفتم بابات دیگه گریه نمی کنه ، قول می دهم که گریه نکنم ... گریه نکنم!

هم وطنم چی بگم ؟! از من ناراحت نشو ، آخه اگه با تو درد و دل نکنم ، به کی بگم ؟ به کی بگم که من و بهرام چه شبهای سردی را بدون هیچ سر پناهی و تنها به امید رسیدن نیروهای امداد دولتی سپری کردیم ...! ولی افسوس که ...؟
به کی بگم که چه احمقانه دنبال هلی کوپتر هوانیروز می دویدم و فریاد می زدم تو را خدا فقط یک بیل دستی برای من بیندازید ، شده بود مثل یک رویا ، فکر میکردم که الان صدای منو می شنوند و کمک می کنند ! ولی بی فایده بود ، بی فایده!

هم وطنم به کی بگم که امروز بهرام رو هم ندارم ؟ بهرامم رو هم از من گرفتند ...!
نمی دونم شاید تقصیر دل کوچکش بود که طاقت دوری خواهرش رو نداشت و این جور ی منو تنها گذاشت و رفت !

آخه میدونی بهرام ، خواهرش رو خیلی دوست داشت . همیشه به من و مامانش می گفت : « من آرزو دارم که خدا یک خواهر کوچولو بمن بده ! »

و وقتی خدا بهار را به ما داد ، بهرام همش فکر می کرد که بهار مال اوئه و یک احساس علاقه عجیبی به بهار داشت ، به طوری که یکبار وقتی بهار مشقهای مدرسه بهرام را پاره پاره کرده بود

، بهرام نه تنها ناراحت نشده بود بلکه رفته بود ، و بقیه کتابهایش را نیز آورده بود تا بهار پاره کند و بخندد .

بهرام ، پول تو جیبی مدرسه اش را جمع می کرد و برای بهارش شکلات می خرید . بهرام!
نمی دونم دکترش که می گفت : « از ضربه مغزی مرده ، خدا صبرت بدهد ! »

ولی من میدونم که دکتر نمی خواست حقیقت را بگوید ! نمی خواست بگوید که اگر بچه ات را به بیمارستان می رساندند شاید زنده میماند ، نمی خواست بگوید که اگر دولت با امداد رسانهای مردمی همکاری می کرد شاید ...! نمی خواست بگوید که جان بچه تو و بچه های بم برای رهبران حکومت ارزشی ندارد ! نمی خواست بگوید که چند شب بدون هیچ سر پناه ، در این سرمای شدید خوابیدن ، برای یک بچه ۱۰ ساله یعنی مرگ ، نمی خواست بگوید که اگر یکی از آن هزاران چادر اهدایی بدستم می رسید ، شاید فرزندم زنده می ماند ، او نمی خواست بگوید که ... ، ولی ! ولی نگاه دردمندش فریاد می زد .

هم وطنم امروز من ماندم و من ! و تنها آشنایی که برایم مانده تو هستی . اولش به خدا خیلی کفر می گفتم ، که چرا من یکی رو هم نبرد تا این همه غم و ناراحتی را ببینم ، چرا منو با یک کوه غم و غصه باقی گذاشته ؟ اولش واقعا نمی دانستم چرا ؟ ولی حال یافتم که هر کار خداوند حکمتی دارد ! و بی علت نیست که از هر فامیلی چند نفر باقی ماندند .

آری هم وطن ما زنده ماندیم تا تقاص خون عزیزان از دست داده امان را پس گیریم ؟!
می دانم آنقدر فهیم و عادل هستی که بدانی از کی و برای چی !

از همان مسئولین بی کفایت و پول پرستی که فقط به فکر اندوختن ثروت های نا مشروع خود هستند ، همان هایی که با وجود چند زمین لرزه روز قبل ، اعلام هشدار نکردند ، همان هایی که چادرها و کمکهای مردمی را بجای اینکه در اختیار ما مردم بم بگذارند در بازارهای آزاد میفروشدند ، با همان هایی که وقتی رفته بودم به امدادگران خارجی بگویم : « اینها چادر و امکانات را به ما نمی دهند ! » مرا گرفتند و به

مترجم آنها گفتند : این خانواده اش را از دست داده و دیوانه شده ، خطرناک است باید ببریمش !

اگر با کمک مردم موفق به فرار از دست این مزدوران دولتی نشده بودم الان حتما اسم من هم جزء لیست کشته شدگان زلزله بود ، مثل خیلی از بمی های دیگر ...!

همان هایی که می گویند بودجه نداریم ولی می بینیم که چگونه پولهای مملکت ما را خرج تبلیغات و برگزاری دهه ، مثلا فجرشان می کنند ، همین ستاد فجرشان که ...!

آری هم وطن فاجعه بس عظیم تر از آن است که بتوانیم بر روی کاغذ بیاوریم ، ما بازماندگان بم هستیم ، ما هم قسم شدیم که تا آخرین قطره خونمان جلوی ظلم رهبران این حکومت ظالم ایستادگی کنیم و با از بین بردن این ظالمان که با بی کفایتی و بی مسئولیتی اشان باعث مرگ عزیزانمان شدند ، روح از دست رفتگانمان را در آرامش قرار دهیم .

هم وطن و هم میهن پیشاپیش از شرکت نکردن در انتخابات دروغین رژیم تشکر می کنیم و اعلام می داریم دست خائنین و نا هموطنانی که برای منافع پست و نا مشروع خود در انتخابات شرکت میکنند به خون کودکان ما آغشته خواهد شد و شامل همان رفتاری که بامسئولین بی مسئولیت رژیم خواهیم داشت ، خواهند شد . ما همه چیزمان را از دست داده ایم و برای نابودی قاتلان فرزندانمان از هیچ کاری کوتاهی نخواهیم کرد ، حتی اگر لازم باشد عملیات انتحاری انجام خواهیم داد . ما بمی هستیم هیچ وقت غیرتمان اجازه نمی دهد مهر بی رگی بر ما قرار بگیرد!

هم وطنم ، آیا هیچ می دانی میزان تحصیلات شهردار و استان دار و مسئولین شهر سازی شهرستان ما چقدر بوده است ؟
آقایان فقط برای اینکه چند صباحی در خدمت حاج آقا؟!

متأسفانه به دلیل کمبود جا از چاپ ادامه درد و دل های این هم وطن به نام آقای نادر امیر آبادی از شهرستان بم ، در این شماره معذوریم ، ادامه در شماره آینده ...

بقیه از صفحه ۳۰

و خواسته های مردم، خدایان را خسته و بی رمق کرده است. دومین جبهه نبرد و جنگ در جبهه خارجی است که دیگر روز بروز بر انزوای بین المللی این خدایان می افزاید. آمریکا و جوامع بین المللی قدرت و بلندپروازیهای این خدایان را در همه جا محدود و منکوت کرده است. دیر یا زود آزادخواهان خدایان تو خای را خواهند بلعید. سوین نبرد در قسمت درونی خویش است که جناحهای سیاسی برای کسب سهم بیشتر به جنگ فرسایشی و درگیری تمام عیار و همه جانبه با خود روی آورده اند. همچون اژدهای چند سری که به خوردن سرهای دیگر خود روی آورده اند. حتی سران رژیم هم با ناامیدی مرگ حکومت و خود را فریاد زده اند.

حکومت ملایان که تا دیروز کشتن سربازان عراقی را حلال و مبارک می خواند، حال از سردرگمی و ترس از ورود نیروهای آمریکا به قلمرو خدایی خود، سربازان عراقی را قدرتمندترین و منظم ترین ارتش خاورمیانه قلمداد می کند که باید آنها را برای دفاع از خاک و ناموس و اسلام و مسلمین به مقابله با نیروهای کفر و ضد الهی کمک کرد. این روش کور و ناعقلانه همیشه منافع ملی کشور ما را در همه جای جهان حتی در اطراف کشورمان نظیر افغانستان، دریای خزر و خلیج فارس نابود کرده است.

اقتدار گرایانی که اقتدار خود را واژگون می پندارند حال سعی در حفظ آخرین سنگر خود به هر قیمت و بهایی می باشند.

وحشت و رعب بر تمام اعضای خدایان زور و فریب رعشه انداخته است. باز عداوت، قدرت و ثروت از یکسو و جهالت موروثی این خدایان آنها را اصرار بر حفظ این عروس هزار داماد می کند. اینها چون با زور به مسند قدرت نشستند و با زور و خشونت و قتل و عام به حیات خویش ادامه می دهند قطعاً و مسلماً با نیرویی غیر از زور و اجبار و جنگ از میدان بدر نخواهند رفت. اصلاحات و رفروم کار عبث و بیهوده ای است چون نظامی که بر پایه نفرت، خشونت و خون و قتل بنیان شده است چگونه با گفتگو و صلح و دوستی، اسلحه بر زمین می نهد.

سرنوشت خدایان جهل و نادانی و زور همچون هم قطاران خویش سرنوشتی شوم و تلخ و همراه با گم شدن در صفحات تاریک و آلوده تاریخ خواهد بود. آزادی ما همچون همسایه ما افغانستان و عراق بزودی نزدیک است ولی امیدواریم هزینه گرفتن این آزادی با هوشیاری و متانت احزاب سیاسی و گروه ها و اقوام مختلف ایران عزیز ما به کمترین حد ممکن نزدیک باشد.

به امید رستگاری و بهروزی و آزادی کشورمان ایران
فرامرزی بیگدلی

توجه توجه توجه.....! اخطار اخطار.....!

از خوانندگانی که به جوکهای خنده دار حساس اند، تقاضا داریم این فرمایش رهبر کبیر انقلاب اسلامی را ندیده گرفته و نخوانند!...؟! در غیر این صورت اگر از خنده غش کردند مسئولیت آن با علی خامنه ای می باشد!....!

رهبر کبیر و عظیم جمهوری اسلامی فرمودند: شرکت نمایندگان مجلس در اعتراضات و تحصن های مجلس و همچنین تقاضای استعفاء در شرایط کنونی خلاف قانونی و شرعی می باشد و حرام است!....!

ها ها ها ها ها ها ها ها....

خب بس دیگه! بابا اون بنده خدا هم یه وقت از دستش در میره دیگه! خودت که میخندی تا حالا از دستت در نرفته؟

مگر اطلاعیه دفعه قبلشان یادت نیست که گفتند: دیدن برنامه های ماهواره ای و خرید دیش و رسیور در خارج از کشور جهت دیدن برنامه هایشان در شبکه جام جم حلال است و در داخل کشور حرام است به همین مناسبت هر وقت که اوباشان بی پول میشوند و سر گرمی ندارند برای رضایت خاطر رهبر به منازل مردم زجر کشیده حمله میکنند و دیش و رسیور آنها را ضبط کرده تا دوباره توسط عناصر خود در بازار به فروش برسانند در نانی بر طبق احادیث موجود و مستند و کلام صریح قرآن فرد ناقص العضو (ناقص العقل بودن که بجای خود) شرایط امامت نماز معمولی را هم ندارد چه رسد به رهبری!

سخنگوی شورای نگهبان جمهوری اسلامی دلیل رد صلاحیت خانم زهرا

اشراقی، نوه خمینی، همسر محمد رضا خاتمی نائب رئیس مجلس شورای اسلامی و یکی از برادران رئیس جمهور را این چنین اعلام کرد:

طرز لباس پوشیدن و آرایش ایشان در مسافرتها خارج از کشور بسیار زشت و وقیحانه بوده که در شان یک زن آخوندزاده نمی باشد.

فائزه رفسنجانی در یک خود شیرینی اعلام کرد:

حاج عمو جون، سخنگوی شورای نگهبان حتما طرز لباس پوشیدن و آرایش همسر و دختر آقای دکتر حبیبی معاون اسبق رئیس جمهورهای ایران و عضو فعلی شورای مصلحت نظام را ندیده یا اگر هم دیده حتما توجه نکرده، چه خانم سوفیالورن، هنر پیشه سکسی نیز از توصیف آن عاجز است و اعلام داشته: آخه بابا هر چیزی یه حدی داره. فائزه رفسنجانی اعلام داشت، حاج عمو جانهای عضو شورای نگهبان می بایست به نوع و طرز لباس پوشیدن خانمها کاری نداشته باشند چه این موضوع لباس پوشیدن و آرایش و خال کوبی لبها و ابروها ممکن است برای خود حاج عموها هم یک دردرس خانوادگی ایجاد بکند و بهتر و شاید مناسب تر بود که علت رد صلاحیت خانم اشراقی را به دلیل حضور همسرشان به عنوان نماینده مجلس اعلام میکردند، چون آخه مگر از یک خانه چند نفر میتوانند همزمان نماینده مجلس باشند بالاخره یکی باید مواظب بچه ها باشد، من پیشنهاد میکنم آنها شیر و خط کنند تا قال قضییه کنده شود و حق ما هم برای شرکت در مجلس از بین نرود. در ضمن حقوق مجلس برای یک زندگی عادی کفایت میکند، پس اگر یکی از آنها هم در مجلس کار کند مشکلی در مخارج منزلشان پیش نخواهد آمد.

فائزه رفسنجانی علت اخراج خواهرش از حلال احمر را چنین توضیح داد:

خواهرم در حلال احمر هیچ گونه اختلاصی نکرده است و علت اخراجش، طرز لباس پوشیدنهای نامناسب دوست و رئیسش خانم شفیقه حبیبی (همسر دکتر حبیبی) بوده است که به خواهر من نسبت داده اند. خواهرم فقط در چند مسافرت خارجی به فرانسه ایشان را همراهی کرده اند و در هیچکدام از پارتی ها و مجالس آنچنانی شفیقه خانم شرکت نکرده است. در ضمن از فرصت استفاده میکنم و از شفیقه خانم می خواهم که آن قرآن خطی که به تازگی از کشور خارج کرده اند را در محل امنی نگهداری کنند چون متعلق به پدر من میباشد.

قهرمان کشتی فرنگی ایران، از چنگال رژیم خونخوار ایران گریخت:



کارن نظیری معروف به سعید نظیری در گفتگویی با مجله بامداد ایران ضمن معرفی بیشتر خود ، علت گریختنش از دست جلادان روحانی نما را چنین توضیح داد :

با سلام خدمت شما و همه خوانندگان مجله ، من کارن نظیری مهدی پور هستم ، ورزش کشتی را در سن ۱۱ سالگی از محله های پائین شهر آغاز کردم و پس از ۲ سال در سن ۱۳ سالگی مقام اول تهران را کسب نمودم و به مسابقات کشوری نونهالان ایران در تاکستان اعزام شدم . موفقیت‌های من در تیم بزرگسالان هم همچنان و پی در پی ادامه داشت تا هم اکنون که در خدمت شما می باشم . همانطور که می دانید کشتی یک ورزش باستانی و پهلوانی ما ایرانیان می باشد و مسلماً یک کشتی گیر ایرانی باید تا آنجا که می تواند به این اصول پایبند باشد ، و این همان چیزی است که حاکمان رژیم تروریست پرور جمهوری اسلامی با آن کاملاً مخالف هستند ، نمی دانم تا چه حد از وضعیت بچه های تیم ملی در سایر رشته ها اطلاع دارید ؟ ولی عزیزان باور کنید کسانی که لباس تیم ملی ایران را بر تن میکنند زیر بار شدیدترین فشارها قرار می گیرند ! در یک بازی به اجبار می گویند باید ببازی ! ؟ باید این لباسی که شعار ای رهبر آزاده ... روی آن نوشته شده را در مسابقه ات بپوشی ! ؟ اگر می خواهی در تیم باقی بمانی باید در نماز جمعه و تظاهرات ضد مردمی شرکت کنی ! ؟ باید در همه مصاحبه های از رهبر تشکر کنی و در جلسات تدارک دیده شده بمنظور دست بوسی رهبر شرکت کنی !... و در واقع برای باقی ماندن در تیم باید هر گونه خفت و خواری را تحمل کنی ، باید به جای یک ورزشکار یک سیب زمینی شوی !

البته ممکن است در بعضی از رشته های ورزشی ، خودفروشان باشند که این مسائل برایشان مهم نباشد ولی این قضیه برای کشتی و کشتی گیر ننگ است ، ورزشی که جهان پهلوان تختی ، اصول آنرا بر اساس مردانگی و آزادگی قرار داده است ، زیر بار اینگونه خفته نخواهد رفت . و چنین ظلمهای آشکار رژیم و کشتار مردم بی گناه ، روحیه مبارزه و عدالت خواهی را روز به روز در ما جوانان ورزشکار تقویت کرد تا بدانجا که بر حسب وظیفه ملی با کمک و یاری سازمانهای سیاسی داخل کشور توانستیم به مبارزه علیه دیکتاتورهای حاکم پردازیم و در اینجا از فرصت استفاده میکنم و از کلیه ورزشکاران ایرانی ، به عنوان یک برادر کوچکتر می خواهم که به یاری ملت مظلوم و تحت ستم ایران پردازند و پیشاپیش ملت در این حرکت ملی شرکت کنند تا دین خود را به عنوان یک ورزشکار از تبار پوریای ولی به میهن خود ادا کرده باشند .

بیش از این مزاحم خوانندگان مجله نمی شوم و البته امیدوارم در آینده نیز توفیق همکاری با مجله را پیدا کنم تا بتوانم نحوه مبارزاتم و مواردی چند از جنایات بی شمار رژیم را با هموطنان عزیزم در میان بگذارم . پاینده ایران ، سر فراز باد پرچم سه رنگ شیر و خورشید نشان ایران

اطلاعیه

سازمان حمایت

از زندانیان سیاسی

جهت حمایت از زندانیان سیاسی و

خانواده آنها نیازمند به کمک های

مالی و معنوی شما می باشیم.

در صورتیکه خواستار کمک به

هموطنان مبارز هستید لطفاً با تلفن:

۰۲۰ ۸۳۶۵۰۸۸۰

تماس بگیرید.

اطلاعیه

جبهه اتحاد ملی

و میهنی ایران

هموطنان عزیز،

جبهه اتحاد ملی و میهنی ایران از ملاقات و پذیرفتن افرادی که بدون وقت قبلی به دفتر سازمان مراجعه کنند معذور است.

لطفاً برای اطلاعات و تعیین وقت

ملاقات با تلفن زیر تماس بگیرید.

۰۷۹۵۷۳۵۷۱۴۷

اطلاعیه

جبهه اتحاد ملی و میهنی ایران

هموطنان عزیز،

بعلت مسائل امنیتی

«دفتر مرکزی سازمان»

به محل جدید منتقل

شده است.

قهوه خانه

مشن قنبر

بزودی

در مرکز لندن

با پارکینگ

اختصاصی

افتتاح می شود

انجمن ایرانیان انتاریو، در خدمت هموطنان عزیز و تازه واردین به کانادا می باشد.

کمک و راهنمایی در امور: پناهندگی - مهاجرت

تشکیل کلاسهای مختلف آموزشی:

کامپیوتر - زبان

کمک در تهیه مسکن و کارایی در خدمت هموطنان می باشد.

Iranian Community Association of Ontario
501 A - 1315 Lawrence Avenue. East
Toronto, Ontario, M3A. 3R3
Canada



روز توطئه برای گرفتاری و فریب ملت بزرگ ایران

به مناسبت ۲۲ بهمن روز توطئه بزرگ برای فریب دادن و در بند کردن ملت بزرگ ایران وسیله گروههای مافیایی و چپاولگر و جنایتکاران بین المللی با همدستی و هدایت چند ملای بی وطن و عامل و همدستانشان، در مقابل سفارت اشغالی ایران در لندن به تظاهرات می پردازیم و از همه هم میهنان گرامی با هر مرام و عقیده درخواست می کنیم شرکت در این تظاهرات اعتراضی را وظیفه ملی خود بدانند و با شرکت و حضور خود به آن رونق بخشند.

زمان: ساعت ۲ بعد از ظهر روز چهارشنبه ۲۲ بهمن برابر ۱۱ فوریه ۲۰۰۴.
مکان: مقابل سفارت اشغالی ضلع جنوبی هاید پارک PRINCES GATE

نزدیکترین ایستگاه آندرگراند: High Street Kensington - South Kensington

تلفن اطلاعات: ۱۴۷ ۳۵۷ ۰۷۹۵۷

جبهه اتحاد ملی و میهنی ایران - حزب مشروطه ایران شاخه لندن